

مطبوعات ترک و عرب.

منفی رسانه های غربی، همراه با رواج آموزش

- توسعه روابط اقتصادی ترکی -

زبان عربی در ترکیه و بالاخره درک این

عربی.

واقعیت از سوی ترکیه که اعراب از حیث

نویسنده در پایان کتاب به این نکته

فرهنگ، تمدن، همسایگی و وجود منافع

اشاره می کند که احترام هریک از اعراب و

مشترک به آنها نزدیکترند، امیدها را به

ترکیه به حق انتخاب طرف دیگر، از اهمیت

ترسیم تصویر شایسته ای از اعراب در ذهنیت

شایانی برخوردار است. او با احساسی از

ترکان افزایش داده است.

خوشبینی نسبت به آینده بهتر برای روابط

زامل سعیدی

عربی - ترکی و نیز اصلاح چهره اعراب در

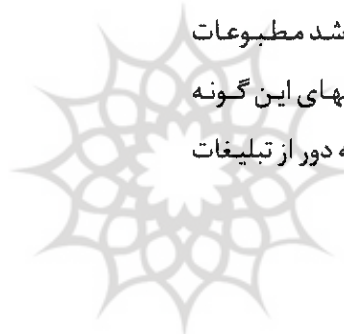
متخصص مسائل جهان عرب

ذهنیت ترکان می گوید رشد مطبوعات

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

اسلامی در ترکیه و تلاشهای این گونه

مطبوعات در ابراز حقایق، به دور از تبلیغات



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کشاورزی در خاورمیانه

Adel Salman, ed., *Agriculture in the Middle East*, New York: Paragon House, 1990, 417 pages.

در ناحیه خاورمیانه شده است.

ناحیه بسیار بزرگ خاورمیانه سرشار از منابع طبیعی است و از جمله کشورهای این منطقه عربستان سعودی به تنهایی حدود یک چهارم منابع نفتی دنیا را داراست.

با این حال، هنوز بیشتر کشورها در منطقه خاورمیانه به میزان زیادی وابسته به مواد غذایی دیگر کشورهای دنیا هستند (به استثنای اسرائیل) و کشاورزی در بیشتر این منطقه هنوز به صورت سنتی (معیشتی) می باشد. در ۱۹۸۴ میزان واردات مواد غذایی منطقه خاورمیانه در حدود ۲۲٫۵ میلیارد دلار بوده است. گفته می شود میزان تولیدات محصولات کشاورزی در کشورهای خاورمیانه کمتر از نیمی از میزان مواد غذایی مصرفی آنها می باشد. برای دستیابی به حل مشکلات که تهدید کننده امنیت، رشد و توسعه تمام منطقه خاورمیانه می باشد، این کتاب سعی بر این داشته که مقالات متعددی در زمینه محدودیتها و امکانات بالقوه کشاورزی در خاورمیانه از متخصصین گردآوری کند. این کتاب به پنج بخش اصلی تقسیم شده است، و هر بخش شامل چندین فصل می باشد. حال، با توجه به پنج بخش

پس از قرن نوزدهم توسعه اقتصادی در کشورهای صنعتی اثرات کمی بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه داشته است. گرچه، به طور کلی روند تولیدات محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به نسبت رضایت بخش بوده است، ولی افزایش بومی های خارجی، کاهش منابع مالی، روند کاهش قیمت کالاهای اساسی صادراتی، حمایت از صنایع و کشاورزی داخلی، افزایش بیکاری و کاهش در بهره وری، دائماً مشکلاتی را برای توسعه اقتصاد پایدار در کشورهای در حال توسعه بوجود می آورد. به طبع، سیاست جهانی و محیط اقتصادی آن اثراتی در موقعیت اقتصادی و بخش کشاورزی خاورمیانه خواهد داشت. با وجود اینکه جنگهای داخلی، خشکسالی، کاهش منابع نفتی، کاهش در تولید بهره وری خود باعث شدت بخشیدن به مشکلات اقتصادی

کتاب به برخی از نکات مهم برای تعیین و توضیح مندرجات هر بخش اشاره می‌کنیم: در قسمت اول کتاب بخش کشاورزی در خاورمیانه این گونه تعریف شده است که بیشتر زمینهای کشاورزی آن به صورت خشک و یا نیمه خشک می‌باشد و آب و هوای آن در فصل زمستان معتدل و میزان بارندگی بسیار کم و در فصل تابستان دارای هوایی گرم و خشک می‌باشد. اما تفاوت‌های جوی در بین ۱۹ کشور خاورمیانه وجود دارد. برای آگاهی بیشتر از موقعیت جغرافیایی در کشورهای خاورمیانه در فصل اول این کتاب به طور مختصر ۱۹ کشور خاورمیانه در مورد موقعیت جغرافیایی، وضعیت آب و هوا، میزان بارندگی، میزان منابع آب و سطح زمینهای کشاورزی آن بررسی شده است. به علت محدود بودن میزان آبهای زیرزمینی و آب رودخانه‌ها، استفاده بهینه از این منبع حیاتی یکی از ضروریات در منطقه خاورمیانه می‌باشد. در این مورد یکی از پروژه‌های آبرسانی در کشور قبرس مورد بررسی قرار گرفته و در مورد اهداف پروژه، هزینه‌های پروژه، میزان کمکهای مالی از طرف سازمانهای بین‌المللی، مراحل اجرا و

همچنین مدیریت پروژه بحث شده است. مورد دیگری نیز درباره بزرگترین رودخانه‌ای که به طور مصنوعی در لیبی ساخته شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد. طول این رودخانه ۳۸۱ کیلومتر و عرض آن ۴ متر می‌باشد. به علت فراوانی آبهای زیرزمینی و میزان بارندگی در شمال کشور لیبی نسبت به مناطق جنوبی آن این رودخانه از شمال به جنوب کشور کشیده شده که کشور لیبی را به دو قسمت، غربی و شرقی تقسیم کرده است. این سیستم طوری طراحی شده است که روزانه حدود ۳٫۶۸ میلیون مترمکعب آب در آن جریان دارد. در بخش دوم کتاب امکانات بالقوه تولید محصولات کشاورزی در مناطق مختلف خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اولین فصل این بخش اطلاعات مربوط به سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۴ در مورد سطح زیرکشت، عملکرد میزان تولید در کشورهای مختلف عربی به طور کلی ارائه شده است، به این ترتیب که متوسط سطح زیرکشت گندم ۸٫۹ میلیون هکتار، متوسط عملکرد ۱۸۷ کیلوگرم در هکتار و میزان تولید ۸٫۱ میلیون تن در این کشورها بوده است. در ۱۹۷۰ کل

واردات گندم کشورهای عربی از بازار جهان به میزان ۴٫۹ میلیون تن و بالغ بر ۳۲۳ میلیون دلار بوده است. این میزان در ۱۹۸۰ به ۱۰ میلیون تن و ۲۲۰۱ میلیون دلار بالغ گردید، و نهایتاً در ۱۹۸۳ این میزان به ۱۶٫۴ میلیون تن و ۳۲۳۷ میلیون دلار رسید. در نتیجه کشورهای عربی که ۶۰ درصد مصرف داخلی گندم خود را در ۱۹۷۰ تولید می کردند، در ۱۹۸۰ به ۵۰ درصد و در ۱۹۸۳ به ۳۳ درصد کاهش یافت. به طور کلی محدودیتهایی که در کشورهای عربی در مورد افزایش تولید گندم وجود دارد عبارت اند از:

بیشتر سطح زیر کشت گندم در کشورهای عربی در مناطق نیمه خشک که میزان بارندگی آن بسیار متغیر است، مورد استفاده قرار می گیرد؛

استفاده از واریت های گندم که عملکرد آن بسیار کم می باشد؛

استفاده کم از کودهای شیمیایی و سمپاشی در مزارع کشاورزی؛

محدود بودن امکانات استفاده از ماشین آلات کشاورزی در منطقه؛

و در نتیجه یکی از محدودیتهای اساسی کمبود کارگران ماهر کشاورزی در منطقه می باشد.

در فصل دیگری از بخش دوم این کتاب داده های آماری نشان دهنده میزان افزایش تقاضای گوشت قرمز، مرغ گوشتی و تخم مرغ در هریک از کشورهای خاورمیانه تا سال ۲۰۰۰ می باشد؛ ولی داده های آماری میزان وابستگی هریک از کشورهای خاورمیانه به بازار جهانی را در مورد مواد پروتئینی نشان نمی دهد. کتاب «تقاضای وارداتی مواد غذایی هشت کشور اوپک» میزان وابستگی محصولات عمده هشت کشور عضو سازمان اوپک در خلیج فارس به بازار جهانی، با در نظر گرفتن تولیدات داخلی آنها و سهم صادراتی آمریکا به هریک از این کشورها را نشان می دهد. همچنین در این فصل محدودیتهایی که در مراحل تولید در منطقه خاورمیانه وجود دارد از قبیل آب و هوا، کمبود متخصص مدیریت مزرعه، کمبود تکنولوژی مناسب و در نهایت کمبود تولیدات داخلی برای تأمین خوراک دام و طیور مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان معتقد است که به تحقیقات بیشتری نیاز است تا بتوان تصمیم گیری های واقعی

در مورد سیاستهای کشاورزی در راستای خودکفایی مواد غذایی و پروتئینی در این منطقه اتخاذ کرد. در آخرین فصل این قسمت به تجزیه و تحلیل سیاست غذا در کشور اردن پرداخته شده است. در دهه ۶۰ کشور اردن از رشد اقتصادی ۷ درصد برخوردار بود که در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱ به رشد اقتصادی ۸٫۷ درصد رسید ولی در ۱۹۸۳ رشد اقتصادی به ۵٫۴ درصد کاهش یافت. با وجود چنین رشد اقتصادی دولت اردن نتوانست توسعه اقتصادی محسوسی در بخش کشاورزی به وجود آورد. با افزایش جمعیت اختلاف بسیار زیادی بین میزان تقاضای محصولات کشاورزی و میزان تولیدات داخلی آن کشور به وجود آمد. در مطالعات متعدد نشان داده شده است که سودآوری تولید محصولات کشاورزی با مقایسه با دیگر بخشها بسیار کم می باشد. دلیل دیگر اینکه سیاستهای کشاورزی در کشور اردن بر مبنای حمایت از مصرف کننده و نه حمایت از تولید کننده می باشد؛ سیاست کلی دولت اردن بر این است که مصرف کنندگان مواد غذایی ارزانی را به دست آورند.

در بخش سوم این کتاب شکاف بین میزان تولید داخلی محصولات کشاورزی و مصرف مواد غذایی در خاورمیانه بررسی می شود. در اولین فصل این بخش مسئله امنیت غذایی در خاورمیانه مطرح شده است و به علت اینکه شکاف زیادی میان میزان تولید داخلی محصولات کشاورزی و مصرف داخلی کشورهای عربی در مقایسه با دیگر مناطق دنیا وجود دارد، یکی از موضوعات بسیار مهم در خاورمیانه مسئله امنیت مواد غذایی است. به طور کلی اثرات مثبت و منفی سیاست امنیت غذایی در منطقه خاورمیانه عبارت اند از:

اختلاف بین میزان خودکفایی محصولات کشاورزی در بین کشورهای عربی؛ ارزش خالص واردات محصولات کشاورزی در بین کشورهای مختلف عربی متفاوت می باشد. به عنوان مثال در عربستان سعودی بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ سالانه ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ میلیون دلار ارزش خالص واردات مواد غذایی می باشد که حدوداً بین ۴ تا ۵ درصد سهم صادرات نفت به آن تخصیص یافته است. اما ارزش خالص واردات مواد غذایی در کشور

اردن بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار است که ۵۶ درصد سهم صادرات نفت به آن تخصیص یافته است. در اوایل دهه ۸۰ نسبت درصد میزان واردات مواد غذایی به کل درآمد صادراتی در کشورهای عمده نفت خیز بسیار کم بوده؛ چون در این سالها تولیدات کشاورزی در داخل کشورهای عربی و قیمت نفت هر دو روند افزایشی را طی می کردند. در اواخر دهه ۸۰ این موقعیت کاملاً تغییر کرد. قیمت نفت و تولیدات داخلی محصولات کشاورزی در کشورهای عربی کاهش یافت که در نتیجه باعث افزایش خالص صادرات مواد غذایی شد.

اثرات افزایش جمعیت: متوسط نرخ

افزایش جمعیت در کشورهای عربی در حال حاضر ۲٫۹ درصد افزایش می باشد. در ۱۹۸۴ کل جمعیت کشورهای عربی به ۱۸۵ میلیون نفر رسید. پیش بینی می شود که در سال ۲۰۰۰ نرخ متوسط افزایش جمعیت در این منطقه به ۱٫۴ درصد برسد. به علت افزایش جمعیت و افزایش درآمد افراد مخصوصاً در کشورهای نفت خیز عربی، این دو عامل باعث افزایش شدید تقاضا برای

مواد غذایی در کشورهای عربی خواهد شد.

منابع آب و خاک: زمینهای مزروعی

در کشورهای عربی حدود ۶۰ میلیون هکتار است. در ۱۹۸۴ در حدود ۱۵ درصد کل زمینهای مزروعی به صورت آبیاری تحت فشار مورد استفاده قرار می گرفت. حجم آبی کشورهای عربی حدود ۲۵۰ میلیارد مترمکعب است که از این مقدار فقط ۱۹۰ میلیارد مترمکعب آن سالانه مورد استفاده قرار می گیرد. برای دستیابی به امنیت غذایی باید کارایی استفاده از آب و همچنین منابع آب افزایش یابد. در نتیجه برای رسیدن به خود کفایی از این دو منبع باید به صورت بهینه استفاده شود.

کمبود تولید مواد غذایی اساسی

در منطقه: کشورهای عربی به طور کلی در حدود ۴۵ درصد از مواد غذایی خود را از خارج منطقه عربی تهیه می کنند. ارزش میزان واردات در سالهای مختلف متفاوت است؛ اما بر مبنای متوسط قیمت جهانی در ۱۹۸۵ ارزش واردات کشورهای عربی در حدود ۱۶٫۵ میلیارد بوده است. متأسفانه بیشتر واردات آنها از بازار جهانی مواد غذایی

اساسی، مانند غلات، گوشت، شکر، روغن و شیر می باشد. اختلاف بین میزان تولید داخلی و مصرف برای محصولات اساسی کشاورزی عبارت اند از: گندم ۶۵ درصد، برنج ۳۸ درصد، شکر ۶۷ درصد و گوشت ۱۹ درصد.

کارایی منابع و استفاده از

تکنولوژی نامتناسب: به علت کارایی کم منابع و استفاده از تکنولوژی نامتناسب متوسط عملکرد محصولات کشاورزی تولید شده در کشورهای عربی بمراتب کمتر از متوسط عملکرد محصولات در دیگر مناطق دنیاست. به عنوان مثال، متوسط میزان استفاده از کودشیمیایی در کشورهای عربی ۴۸ کیلوگرم در هکتار، آمریکا ۹۸ کیلوگرم و در دنیا ۱۰۲ کیلوگرم در هکتار می باشد.

اثرات سیاستهای کشاورزی: اکثر

دولتهای عرب برای دستیابی به خودکفایی مواد غذایی دو سیاست عمده را همزمان اجرا می کنند، حمایت از تولیدات محصولات داخلی و دیگری حمایت از عرضه محصولات معمولاً سیاست حمایت از عرضه به نفع

مصرف کننده و به زیان تولید کننده محلی بوده است. زمانی که در کشور کمبود مواد غذایی احساس شود به علت اینکه فشارهای سیاسی بر تصمیم گیرندگان کشور زیاد می باشد آنها هیچ گونه گزینه دیگری جز واردات محصولات کشاورزی از بازار جهانی ندارند و بر همین مبنا هریک از کشورهای عربی سازمانی تشکیل داده اند که تعادلی در میزان عرضه و تقاضای بازار داخلی به وجود آورد. به عبارت دیگر، توسعه روستایی تغییر ساختار کشاورزی، تقسیم اراضی، تأمین خدمات عمومی و حذف فعالیتهای غیر اقتصادی می باشد.

در بخش چهارم این کتاب موفقیتها و مشکلات اجرای توسعه اقتصادی روستا در کشور اردن و عراق مورد بررسی قرار گرفته است. برای دستیابی به توسعه اقتصادی در روستا در مرحله اول برنامه توسعه کشاورزی کشور اردن شروع به ساخت چندین سد به منظور تأمین آب آشامیدنی در روستا و همچنین تأمین آبیاری تحت فشار برای زارعین کرد. در نتیجه در ۱۹۷۳، ۲۱۰۰۰ هزار هکتار زمینهای کشاورزی تحت پوشش آبیاری تحت فشار قرار گرفت و سپس در

۱۹۸۰ به ۳۲۰۰۰ هزار هکتار افزایش یافت. در مرحله دوم برنامه توسعه سرمایه گذاری برای احداث ۶۰ مدرسه، ۱۵ خانه بهداشت، ۱۵ دفتر دولتی، توسعه شبکه برق رسانی به ۶۰ روستا و ساخت ۱۲۰ کیلومتر جاده اصلی و ۱۶۰۰ کیلومتر جاده روستایی انجام شد. در فصل دیگری از این بخش به بررسی کشاورزی عراق پرداخته شده که در آن حدود ۱۱ میلیون هکتار زمینهای کشاورزی وجود دارد. از این مقدار ۳/۵ میلیون هکتار تحت پوشش آبیاری تحت فشار و حدود ۳/۵ میلیون هکتار به صورت دیم کشت می شود. سیاستهای دولت عراق برای توسعه مزارع و گسترش زمینهای کشاورزی عبارت است از:

زمینهای کشاورزی به افراد یا خانواده هایی واگذار شود که از لحاظ سیاسی و یا قدرت مالی در دولت عراق نفوذ دارند؛

گسترش مزارع بزرگ به صورت کشت و صنعت تا حدود ۱۰۰ هزار هکتار؛

تأسیس شرکتهایی برای تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی؛

استفاده بیشتر از آبیاری تحت فشار و

ماشین آلات کشاورزی؛

تأسیس سازمان ترویج کشاورزی که نتایج تحقیقات کشاورزی را از مراکز تحقیقات یا دانشگاهها به مزارع منتقل کند.

نویسنده عوامل بازدارنده توسعه اقتصادی و روستایی را در خاورمیانه ضعف مدیریت، عدم کارایی در زمینهای مزروعی، فعالیتهای غیراقتصادی کشاورزی، مشخص نبودن برنامه ریزی کشاورزی بلندمدت، ارتباط ضعیف بین سازمانهای مختلف و نبودن اهداف واقع بینانه برای پروژه ها ذکر کرده است.

در آخرین بخش کتاب بررسی امکانات بالقوه کشاورزی و در اولین فصل مربوط به این قسمت اثرات مکانیزه شدن کشاورزی در خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته است. با مکانیزه شدن کشاورزی افزایش سطح زیر کشت زمینهای کشاورزی، افزایش عملکرد محصول در هکتار، فراهم آوردن امکانات برای تولید همزمان چندین محصول، حداکثر کردن برداشت محصول و حداقل کردن ضایعات و بهتر استفاده کردن از منابع محدود به وجود خواهد آمد. مکانیزه کردن بخش کشاورزی در بعضی از

کشورهای خاورمیانه بین سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ باعث افزایش چشمگیر محصولات کشاورزی شده است. در طول همین دوره افزایش تولید محصولات کشاورزی در سوریه ۱۷۰ درصد، مراکش ۵۴ درصد، سودان ۴۵ درصد و اردن ۲۳ درصد بوده است. نویسندگان با انجام بررسی در کشورهای مختلف خاورمیانه، معتقد است که استفاده از تکنولوژی و مکانیزه کردن بخش کشاورزی در منطقه محدودیتهایی را خواهد داشت که به محدودیتهای اصلی و فرعی تقسیم شده اند. محدودیتهای اصلی عبارت اند از: زمینهای کشاورزی در خاورمیانه معمولاً به قطعات بسیار کوچک تقسیم شده و در بعضی از مناطق ابعاد زمینهای کشاورزی مشخص تر می باشد؛ به علت تغییرات نرخ ارز در بعضی از کشورهای خاورمیانه، اثرات زیادی در تعداد خرید تراکتور به وجود خواهد آمد؛ استفاده از تکنولوژی مناسب در منطقه با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و اقتصادی، به عنوان مثال، استفاده از ماشین آلات پیچیده کشاورزی برای برداشت سیب زمینی ممکن است در منطقه مناسب نباشد؛ زیرا سطح زیر کشت بسیار کم می باشد و هزینه استفاده از ماشین آلات بر مبنای سطح زیر کشت بسیار افزایش می یابد. در نتیجه ممکن است کارگران محلی را بیکار کند. در این صورت استفاده از تکنولوژی ساده تر ممکن است کاربردهای بیشتر داشته باشد.

محدودیتهای فرعی عبارت اند از: به عنوان یک سیستم تولید صحیح؛ به عنوان مثال اگر برداشت محصول سیب زمینی به صورت مکانیزه انجام گیرد در نتیجه روش کاشت، داشت و برداشت و نگهداری محصول باید مکانیزه باشد؛ ساختار قیمت محصول قابل پیش بینی نیست و در بعضی از کشورهای منطقه ممکن است تغییرات قیمت بسیار زیاد باشد؛ تهیه ادوات ماشین آلات کشاورزی و تعمیرات و سرویس آن در روستاها بسیار مشکل است؛ در مورد ترویج و آموزش کشاورزی تحقیقی صورت نمی گیرد؛ امکانات رفاهی در روستاها وجود ندارد؛

در فصل دیگری از این بخش شرایط بد آب و هوا در بعضی کشورهای عربی و تأمین بعضی از محصولات کشاورزی با روش گلخانه ای مورد بررسی قرار می گیرد. بعضی از کشورهای عربی بخشی از تولید محصول خود را به روش گلخانه ای انجام داده اند. در ۱۹۸۶ در کشور اردن میزان سطح زیر کشت گلخانه ای برای خیار، ۲۶۳ هکتار، فلفل ۶۳ هکتار، لوبیا ۱۶ هکتار بوده است. ولی محدودیتها و مشکلاتی که در منطقه برای تولید محصول به روش گلخانه ای وجود دارد عبارت اند از: هزینه ساخت گلخانه و سیستم کنترل محیط؛ هزینه تأمین انرژی برای خنک کردن داخل گلخانه مخصوصاً در فصل تابستان؛ و کمبود مدیران لایق و کارگران ماهر در این زمینه تولید.

به علت تولید زیاد بعضی از محصولات در گلخانه، بعد از اشباع بازار داخلی باید محصول مازاد بر مصرف صادر شود، ولی به علت عدم وجود سیستم مناسب صادراتی

بیشتر محصولات ضایع می شود؛ بعضی از مواقع ضایعات محصولات گلخانه ای به علت وجود امراضی مانند Verticillium, Fusarium در محیط گلخانه بسیار می باشد؛

در تدوین مباحث مختلف کتاب تلاش شده است که حتی المقدور امکانات بالقوه و محدودیتهای بخش کشاورزی در خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد، همچنین نویسنده سعی داشته است که از ابعاد مختلف، کشاورزی در خاورمیانه را مورد ارزشیابی قرار دهد.

امیر چیدری
دانشگاه تربیت مدرس

منبع:

James R. Coyle, Mary E. Burfisher and John B. Parker, *Food Import Demand of Eight OPEC Countries*, Washington D. C., USDA, June 1983.